

کودکان دیروز، کودکان امروز

تفاوت نگاه نسل‌های مختلف مال امروز نیست. فقط مال دیروز هم نیست. زمانه که تغییر می‌کند، نگاه آدم‌ها هم عوض می‌شود. مال همه نه! بعضی‌ها عین شخصیت فیلم سوت‌دلان (با بازی خوب بهروز وثوقی) روزهای هفته‌شان هم وصل به تقویمی است که پدرشان، بزرگشان، گذشتگان‌شان به آنها داده‌اند. (مجید ظروفچی که جوان شیرین عقلمی است، جایی در فیلم سوت‌دلان به برادر بزرگ‌ترش که از او می‌پرسد: چرا به دکان نرفته؟ می‌گوید: امروز جمعه است، تعطیله! وقتی برادرش می‌گوید: امروز دوشنبه است، خیلی داریم تا جمعه! بدون مکث اعتراض می‌کند: نخیر، تو اون تقویمه که آقام اون سال عید خودش با دست خودش به من عیدی داد، امروز جمعه است. برادرش حیب برای آنکه او را متوجه کند به باطل شدن آن تقویم اشاره می‌کند، اما مجید می‌گوید: واسه من جمعه، جمعه آقامه، شنبه، شنبه آقامه و...) فقط روزهای هفته‌شان نه، همه باورهایی که دارند وصل به میراثی است که از گذشته وارد ذهن و باورهایشان شده است. حداقل نتیجه چنین اتفاقی به صحنه بردن نمایشی توسط بچه‌های سال‌های دور برای بچه‌های امروز است. نمایشی که انگار در دهه چهل یا پنجاه نوشته شده و قرار است حرف‌های زمانه خود را بزند. در خوشبینانه‌ترین حالت چنین تئاتری باعث استهزای مخاطبانش می‌شود. ته‌اش نمی‌بینندش! اما همین آدم‌ها، منظورم کسانی است که باورهایشان به‌روز نشده (مگر باور هم به‌روز می‌شود؟ می‌شود! شك نباید کرد. اگر نمی‌شد انسان امروز هنوز در غار زندگی می‌کرد.) در عالم نمایش و سینما و ادبیات نباشند، مساله پیچیده‌تر می‌شود. خصوصا وقتی قدرت دست‌شان باشد یا گرداننده اموری باشند (مدیری، وکیل، وزیر، ریسی و...) آن وقت دیگر کار به استهزا و خنده و ترك سالن نمایش نمی‌کشد. همه چیز به هم می‌خورد.

بچه دیروز حرف بچه امروز را نمی‌فهمد و بچه امروز حرف بچه دیروز را! جوان امروز چیزی می‌خواهد که در ذهن جوان سال‌های دور جایی ندارد و جوان سال‌های ماضی به جوان امروز پیشنهاداتی می‌دهد که نتیجه‌اش خشم جوان امروز است. چاره درد و درك یکدیگر هم ساده است!

باید هنر درك زمانه داشت. باید مثل کسانی نبود که تصور می‌کنند تقویم پدری‌شان تا دنیا دنیاست، می‌تواند تاریخ را نشان دهد و

تعطيلي و باز بودن دكان را مشخص سازد!

حسن لطفي